

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ادامه‌ی مبحث نماز

و اما در ادامه‌ی بحث‌هایی که در زمینه‌ی نماز داشتیم؛ گفتیم سوره‌ی حمد را چند بار مرور می‌کنیم. در بار اخیر تا آیه‌ی «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»<sup>۱</sup> را با هم تأملاتی داشتیم و نکته‌هایی را خدمت عزیزان عرض کردم. آیه‌ی بعد، «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»<sup>۲</sup> است. این جلسه سعی می‌کنیم نکاتی را در مورد این آیه‌ی شریفه خدمت عزیزان مطرح کنیم. امیدواریم نکته‌های نافی باشد و فهم ما را از این آیات عمیق‌تر کند. گرچه همه‌ی بحث‌ها را این بار نمی‌گوییم؛ شاید بارهای دیگری هم به مرور سوره‌ی حمد بپردازیم. جا دارد معارف عظیمی که در این سوره وجود دارد را بیشتر بشناسیم تا از این سوره که هر مسلمان هر روز لااقل ده بار در نمازهایش تکرار می‌کند، با فهم و درک عمیق‌تری بهره ببریم.

## مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

به عنوان مقدمه باید راجع به سه نکته فکر و تأمل کنیم تا زمینه‌ی فهم این آیه برایمان فراهم‌تر شود. یکی «مَالِكِ» است که قرائت دیگرش «مَلِكِ» است. هر دو قرائت ذکر شده است و هر دو

---

۱. سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۳.

۲. سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۴.

طرفدارانی هم دارد. یعنی برخی «مالک» را افضل و ارجح دانسته‌اند؛ برخی هم «ملک» را. هر یک هم برای خود استدلالاتی دارند که الآن نمی‌خواهم وارد آن بحث شوم؛ بحث تفسیری مفصلی می‌خواهد که الآن در مقام آن نیستیم که چه نکته‌هایی در «مالک» است که در «ملک» نیست و همین‌طور چه نکته‌هایی در «ملک» است که ممکن است در «مالک» نباشد. ولی هر دو قرائت درست است؛ هم «مالکِ یَوْمِ الدِّینِ»، هم «ملکِ یَوْمِ الدِّینِ». بنابراین یکی این که بینیم معنای «مالک» و «ملک» چیست. دوم «یَوْم» یعنی چه و سوم درباره‌ی «یَوْمِ الدِّینِ» که قیامت است؛ مقداری فهم و دریافت عمیق‌تر کسب کنیم.

هر دو واژه‌ی «مالک» و «ملک» یک معنای مجازی و یک معنای حقیقی دارند. مالک مجازاً به کسی گفته می‌شود که یک نحوه ارتباطی، ولو ارتباط مجازی، با چیزی داشته باشد. فرض کنید ارتباط اندکی با خانه‌ای، ماشینی، لباسی، یا چیز دیگری داشته باشد. به آن شخص مالک می‌گویند؛ ولو این ارتباط مجازی و قراردادی است؛ ارتباط واقعی و حقیقی نیست؛ دلیلش هم این است که این رابطه‌ی مالکیت با تغییر قانون می‌تواند منتفی شود؛ یا اموال با حکم دادگاه مصادره شود و از مالکیت شخص خارج شود. پس مالکیت حقیقی نیست؛ مالکیت مجازی است. اگر بین فرد و یک شیء ارتباط مختصری، ولو مجازاً باشد، می‌گویند او مالک آن چیز است. این مالکیت برای این است که در زندگی دنیوی ما، حدود مراعات شود و کسی به ملک دیگری تعدی نکند. این را دین هم پذیرفته است؛ شرع مقدس هم مالکیت را پذیرفته است و تأکید هم کرده است که

احدی حق ندارد به ملک دیگری بدون اذن او تعدّی و تعرّض و تجاوز کند. این از نظر قواعد در دنیا که تشریحاً چنین حقی وجود ندارد. در آخرت هم که تکویناً چنین حقی وجود ندارد. در آخرت هم وقتی چیزی مال کسی است، احدی امکان تعدّی به آن را نخواهد داشت. در دنیا حقّ تعدّی ندارد؛ ولی ممکن است امکان داشته باشد؛ قدرت تعدّی داشته باشد و تعدّی کند. ولی کارش کار غیر مجازی است. اما در آخرت امکان تعدّی به ملک دیگری تکویناً وجود ندارد و کسی قدرت ندارد به چیزی که مال دیگری است تعرّض کند. این مالک مجازی است.

در برابر مالک مجازی، مالک حقیقی قرار دارد. مالک حقیقی قیوم مطلق است؛ یعنی کسی است که همه‌ی آنچه در عالم وجود است، قائم به اوست؛ قوام همه چیز به اوست؛ چنین شخصی مالک حقیقی است. همه‌ی چیزهایی که در عالم وجود دارد، صرف ربط و فقر به او هستند و تنها غنی، اوست. اینجا نکته‌ی ظریفی است؛ نه این که موجودات نیازمند به او هستند؛ یعنی وجود دارند؛ ولی فقیرند؛ محتاج به او هستند. خیر؛ هستی‌شان عین فقر و نیاز است؛ عین ربط و وابستگی و اتکاست. چنین فردی مالک حقیقی است و آن منحصرأ ذات مقدّس احدیت است که قیوم همه‌ی عالم است؛ «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»<sup>۳</sup> اوست که قیوم همه‌ی عالم است. در فرازهای دعای جوشن کبیر است: «يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ»<sup>۴</sup> ای کسی که همه چیز قائم به اوست؛ قیوم همه چیز

۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۵.

۴. مجلسی، بحار، ج ۹۱، ص ۳۸۹ و قمی، مفاتیح الجنان، ص ۴۳۴.

اوست. «یا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مَوْجُودٌ بِهِ»<sup>۵</sup> ای کسی که همه چیز به او موجود است؛ بی او معدوم است. این مالک حقیقی است در برابر مالک مجازی. مالکیت حقیقی عینِ قیومیت است؛ یعنی در مالکیت حقیقی، هستی موجودات قائم به مالکشان است و این مالکیت در هستی، منحصر به خدای متعال است. اما مالکیت مجازی هم وجود دارد؛ با یک قاعده رابطه‌ی مالکیت مجازی برقرار می‌شود و در زندگی اجتماعی در دنیا هم باید حدودش مراعات شود و کسی از آن مرز به حق دیگری تعدی نکند؛ چون حق الناس است و تضییعش گناه عظیمی در پیشگاه پروردگار است. اگر افراد به حیطة‌ی مالکیت یکدیگر تعدی و تعرض کنند، نظام زندگی مختل می‌شود.

«مَلِک» هم معنایی مجازی دارد. معنای مجازی‌اش کسی است که بر قلمرو خودش، که این قلمرو می‌تواند یک کشور باشد؛ می‌تواند یک خانه باشد؛ می‌تواند مثلاً جمعی باشند؛ کسی که بر قلمرو خودش ولو به صورت موقت و به صورت مجازی مختصر تصرفی داشته باشد؛ نفوذ امری داشته باشد؛ این مُلک و مَلِکیت و فرمانروایی او می‌شود. این فرمانروایی مجازی است. امروز فرمانرواست؛ فردا با یک کودتا عزل می‌شود؛ یا با یک انقلاب برکنار می‌شود. یعنی یک امر موقت است؛ ماندگار و دائمی نیست؛ مضافاً بر این که حق تصرف و قدرت تصرف هم محدود است؛ نامحدود نیست. اما در برابر آن مَلِک حقیقی است. مَلِک حقیقی کسی است که همه‌ی کشور وجود تحت تصرف اوست؛ یعنی هر چیز که نام موجود به آن تعلق می‌گیرد، در قلمرو تصرف قدرت مطلقه‌ی اوست. صاحب اختیار مطلق، سلطان و فرمانروای مطلق و حاکم مطلق در نظام کل هستی اوست و او

---

<sup>۵</sup>. مجلسی، بحار، ج ۹۱، ص ۳۸۸ و قمی، مفاتیح الجنان، ص ۴۳۴.

خدای متعال است؛ ذات مقدّس احدیّت است. قرآن هم فرمود: «اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ»<sup>۶</sup> این خداست که مالک مُلک است؛ به طور مطلق صاحب فرمانروایی است و هر کس را بخواهد به قدرت می رساند؛ از هر کس هم بخواهد قدرت را سلب می کند و فرمود: «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ» صاحب برکت است؛ مبارک است خدایی که فرمانروایی مطلق در هستی در دست اوست؛ تحت قدرت و اختیار اوست. «وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۷</sup> و او بر هر چیز تواناست. یا فرمود: «وَاللَّهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۸</sup> فرمانروایی همه‌ی آسمان‌ها، نه فقط آسمان دنیا، همه‌ی آسمان‌های ملکوت و جبروت و همه‌ی زمین‌ها در اختیار اوست؛ متعلّق به اوست. پس فرمانروا و مَلِكِ حقیقی ذات مقدّس احدیّت است. در مناجات حضرت امیر علیه السلام در مسجد کوفه هم هست؛ «أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ»<sup>۹</sup> تو صاحب وجود و هستی منی و من مملوک توام؛ من مَلِكِ توام. لذا قرآن فرمود روز قیامت هم سؤال می شود: «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ» امروز مُلک و فرمانروایی از آن کیست؟ پاسخ این است که: «لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»<sup>۱۰</sup> متعلّق به خدای واحدی که قهّار است که در ادامه‌ی سخن روی این آیه تأمل می کنیم.

۶. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۲۶.

۷. سوره‌ی ملک، آیه‌ی ۱.

۸. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۸۹.

۹. سیّد بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۱۰۳ و مجلسی، بحار، ج ۹۲، ص ۳۹۲.

۱۰. سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۱۶.

## چرا فرمود «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»؟

چرا فرمود «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»؟ آیا خدا فقط روز قیامت مالک است؟ قطعاً نه. مالکیت خدا مالکیت هستی همه چیز است و این همیشگی است؛ موقت نیست. محدود به یک زمان نیست که خدا یک وقت مالک باشد و وقت دیگری مالک نباشد. این گونه نیست که خدا در قیامت مالک باشد و قبل از قیامت مالک نباشد. خدا قیوم همه‌ی عالم و لذا مالک همه‌ی عالم است. غیر از خدا هیچ وقت نه مالکی وجود دارد؛ نه مَلِکِی. پس چرا فرمود «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»؟ به خاطر این که روز قیامت همه‌ی پرده‌هایی که مانع دیده شدن مالکیت و مَلِکِیت مطلق الهی است، می‌افتد. آن وقت معلوم می‌شود که ازلاً و ابداً مالک خداست؛ مَلِکِ خداست. برای کسانی که در دنیا در غفلت بوده‌اند این حقیقت مکشوف می‌شود. کسانی که مالکی قائل بوده‌اند؛ مَلِکِی قائل بوده‌اند؛ فرمانروایی غیر خدا می‌دیدند؛ مالک و صاحبی غیر خدای متعال می‌دیدند؛ اینها از این اشتباه بیرون می‌آیند. آن روز با فرو افتادن حجاب‌ها به روشنی آشکار می‌شود که تنها مَلِکِ و مالک، خدای متعال است. لذا «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ» نه این که امروز مالک خداست و روز دیگری نیست؛ امروز این مالکیت آشکارا دیده می‌شود. هیچ ابهام و تاریکی و حجابی برای این که انسان دچار اشتباه شود و گمان مالکیت یا مَلِکِیت برای غیر خدا ببرد، باقی نمی‌ماند. آن روز آشکارا روشن می‌شود که همه‌ی آن چیزهایی که گمان می‌کردیم مالک یا مَلِکِ است، جز سراب هیچ نبود. به تعبیر قرآن فرمود: «كَسْرَابٍ بَقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً» مثل سرابی در دشت گسترده‌ای، در بیابانی، که تشنه‌کام از دور آن را آب

می‌پندارد؛ منتهی<sup>۱۱</sup> «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا» تا این‌که وقتی کنار آن می‌آید و به نقطه‌ای می‌رسد که از دور آب تصوّر می‌شد، می‌بیند هیچ چیز نیست؛ «وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ» آنجا خدا را می‌بیند. یعنی همه‌ی موجوداتی که تصوّر می‌کنیم و برایشان هستی‌یی در برابر هستی خدای متعال قائلیم، رنگ می‌بازد؛ معلوم می‌شود هیچ چیز غیر از خدای متعال، جز ذات مقدّس احدیّت وجود نداشت. «فَوْقَاهُ حِسَابَهُ»<sup>۱۱</sup> آن موقع خدای متعال به حساب او می‌رسد. انسانی که به قیامت و به این نقطه رسیده است می‌بیند هیچ چیز غیر از خدا وجود ندارد. آن روز روزی است که خدا به حساب انسان‌ها رسیدگی می‌کند. این کدام نقطه است که انسان به این‌که هیچ چیز غیر از خدا نیست می‌رسد؟ همان نقطه‌ای که آن را فنای مطلق می‌نامیم. یعنی رسیدن به مرتبه‌ی فنای ذاتی. فنای مطلق، رسیدن به همین حقیقت است. این میوه‌ی تجلّی اعظم حقّ متعال است. معنای مالکیت حقیقی خدا در یوم الدّین و اینکه چرا خدا فرمود «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»، تا حدودی روشن شد. روزی است که حقیقتی که همیشه بوده است و هست و خواهد بود؛ آن روز بی‌پرده عیان می‌شود؛ در «يَوْمِ الدِّينِ»، برای اهل خبط و غفلت عیان می‌شود که مالک خدای متعال است.

«يَوْمِ»

<sup>۱۱</sup>. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۹.

دومین نکته که باید قبل از ورود به بحث راجع به این آیه روی آن تأمل کنیم واژه‌ی «یَوْم» است. چون فرمود: «مَالِكِ (مَلِكِ) يَوْمِ الدِّينِ» «یَوْم» یعنی چه؟ «یَوْم» به معنای روز است. البته عرب دو جور روز را نام می‌برد؛ یک‌بار می‌گوید «نَهَار». «نَهَار» روزی است که در برابرش «لیل» یا شب وجود دارد. اما عرب روز به معنای روزگار و زمان معین را «یوم» می‌نامد.

سه جور «یوم» قابل‌تصور است. همه با یک «یوم» که همین «یوم» زمانی است، آشنا هستیم که در عالم طبیعت از طلوع خورشید شروع می‌شود و با غروب خورشید هم تمام می‌شود. این «یوم» زمانی است. دومین «یوم»، «یوم» ربوبی است. «یوم» ربوبی هزار سال است. «یوم» ده دوازده ساعتی نیست؛ یومی است که به تعبیر قرآن «إِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ»<sup>۱۲</sup> این را یوم ربوبی می‌نامیم. حقیقت این «یوم» را صاحب مقام ولایت می‌داند؛ از اسرار مخصوصه‌ی مقام ولایت است و فهم آن برای بقیه در دسترس نیست و فهم آن برای عموم بشر ناممکن است. بالاتر از این، «یوم» الوهی است. «یوم» الوهی پنجاه هزار سال است. قرآن فرمود: «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»<sup>۱۳</sup> ملائکه و روح عروج می‌کنند در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است. پس سه جور یوم شد؛ یکی یوم زمانی، همین روز ده دوازده ساعتی عالم طبیعت، دوم، یوم ربوبی، روز هزار ساله، سوم، یوم الوهی، روز پنجاه هزار ساله. یوم الوهی را اصطلاحاً یوم سرمدی هم می‌نامند. یوم الوهی یا یوم سرمدی محیط بر یوم ربوبی است و یوم ربوبی هم محیط

۱۲. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۷.

۱۳. سوره‌ی معارج، آیه‌ی ۴.

بر یوم زمانی است. یوم پنجاه هزار ساله محیط بر یوم هزار ساله است و یوم هزار ساله هم محیط  
بر یوم ده، دوازده ساعته است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ